



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۵۴
۱۷ فروردین ۱۳۸۴
۶ آوریل ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم: فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

در مورد کمیته پیگیری تشکلهای کارگری در ایران



محمد آسنگران

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب ابتدا انعکاسی از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت: نه فقط شعار فدرالیسم جایی در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قومگرایی بطور کلی هم در بین میلیونها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متأسفانه برای مصون داشتن مردم از فجایع و تراژدی هایی که قوم پرستی و قوم پرستان میتوانند بسیار بیاورند کافی نیست. به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو سه دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش تر مشروعه چپان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوند یک قشر انگلی بی آبرو و اسباب مضحکه مردم در شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لاینفک زندگی مردم بود. با اینحال، امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوی، یک جامعه مدرن صنعتی و با هر استاندارد امروزی جامعه ای متمدن بود. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه قبل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و نمیدانند چه شد که چنین شد.

اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانها و جنبشهای اصلی در جامعه به این سمت سیر نمیکند. اما سوال اینست که چقدر جامعه در برابر تحركات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ←

جایگاه آنرا بشناسیم. ابتدا باید بگویم که کم نبودند جریاناتی که اوایل چشم بر این واقعیت بستند. اما اکنون مقالات و مصاحبه های متعدد و متناقضی در مورد این حرکت منتشر کرده اند. علیرغم هر قضاوتی که در مورد این واقعه داشته باشیم فعالین این حرکت اتفاق مهمی را در جنبش کارگری خلق کرده اند.

همینجا لازم است تاکید کنم که صمیمانه دست تک تک فعالین و امضاکنندگان این حرکت را میفشارم و خسته نباشید میگویم. این یک حرکت کارگری و یک جواب به مهمترین معضل طبقه کارگر بود. سالها است که کارگران ایران از بی تشکلی رنج میبرند. این کمیته راه و چگونگی رفع موانع تشکل یابی را آغاز کرده است. نه تنها این حرکت مهم تکانی جدی به حساب می آید بلکه اولین بار است که در چند دهه اخیر تاریخ جنبش کارگری ایران در شرایط اختناق تعدادی فعال کارگری با شخصیتهای حقیقی و حقوقی در این سطح و با این قامت ظاهر

صفحه ۳

حرکت چه جایگاهی در جنبش کارگری دارد؟

محمد آسنگران: ابتکار عمل تعدادی از فعالین کارگری و تشکیل کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری در ایران جان تازه ای به جنبش کارگری بخشیده است. تحرك جدی ایجاد کرده است. تا همین حالا علاوه بر وسعت حمایتهای توده کارگران (حدود ۴ هزار امضا) موضوع کارگر و حقوق کارگری را در مرکز توجه بخش قابل توجهی از جامعه و حتی اپوزیسیون قرار داده است. در همین مدت کوتاه نوشته ها و مقالات متعددی در له یا علیه این حرکت و یا نقد و بررسی آن منتشر شده است. این نشانه قدرت و جایگاهی است که این حرکت دارد. خارج از هر قضاوتی در مورد شکل گیری و آینده این اقدام کارگری، برای من و طبعاً هر فعال کارگری و کمونیست این حرکت تا همین حد هم با هر گرایشی که این فعالین داشته باشند قابل تحسین و پشتیبانی است. هر کمبود یا نقصی که در این حرکت باشد يك ذره از این احساس مسئولیت ما کم نمیکند که با چشم باز این واقعیات را ببینیم و

کمیته پیگیری تشکلهای کارگری در ایران بعد از مدت نه چندان طولانی توانسته است توجه هزاران کارگر را به حمایت از مطالبات طرح شده در بیانیه اش جلب کند. جمع آوری تومار شکل این حمایت بوده است. انتشار بیانیه و متعاقب آن امضای چند هزار کارگر در حمایت از بیانیه تحرك جدیدی را در میان کارگران ایران ایجاد کرده است. سازمانهای اپوزیسیون عکس العملهای متفاوتی نشان داده اند. سوالات متعددی در رابطه با بیانیه طرح شده و از زوایای متفاوتی جوابهای متفاوت داده شده است. در این رابطه ایسکرا مصاحبه ای با محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان انجام داده که در آن جنبه های مهم این حرکت مورد بررسی قرار گرفته است:

ایسکرا: اجازه بدهید اولین سوال را اینطور مطرح کنم این

محاكمه فعالين اول مه سقز مجددا شروع شده است
امروز محمود صالحی و برهان دیوارگر در سقز محاکمه شدند

صفحه ۳

حدود ۵۰ نفر در بانه دستگیر شده اند
تعداد دستگیر شدگان بانه به ۹۰ نفر رسید

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

ویروس‌هایی هستند که در حالت خفته به حیات خودشان ادامه میدهند و تحت شرایط خاصی فعال میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران يك بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنیسینه است. وجود همین فدرالیست ها و جماعات عقب مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاهت صدور شناسنامه های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در يك شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی بار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی شبهه این واقعیت به ناسیونالیستها و قوم پرستان و ملیون و روشنفکران ناقص العقل پیرامونی شان است که کمونیسم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی مایستد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بگویند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم.

نترناسیونال بیانیه ظهور شعار فدرالیسم را مستقیما به مساله کرد ربط داده است. در این مورد توضیح بیشتری لازم است.

منصور حکمت: همانطور که گفتیم اسم گذاری ملی و قومی مردم، تا چه رسد به کشمکشهای ملی و قومی میان بخشهای مختلف جامعه يك پدیده دیر پا، رایج و همه گیر در کشور نیست. واضح است که در فولکلور عقب مانده اقوام (هر قومی)، خودپسندی قومی و شوونیسم و بیگانه ترسی و غیره هست. در همه کشورها، حتی در یکپارچه ترین "ملل" هم این هست، و ظاهرا تا وقتی سرمایه و سرمایه داری هست این نوع شکاف انداختن میان مردم هم باقی خواهد بود. ایران هم استثنا نیست. اما، هر ناظری که ریگی به کفش و دستور کار پنهانی دیگری نداشته باشد، اذعان میکند که جامعه ایران جامعه ای نیست که چنان در چنگال کشمکش و عدم تحمل قومی و ملی

عاجز شده باشد که حکیمی بخواهد با نوشداری فدرالیسم سراغش بیاید.

وقتی دقت میکنید میبینید پیدا شدن سر و کله این مقوله در دور اخیر مستقیما به مساله کرد و معاملات و مذاکرات حزب دموکرات با اپوزیسیون ملی مربوط میشود که به زعم دموکراتها فردا قرار است دولت مرکزی را در ایران بدست بگیرند. تمام مساله حزب دموکرات اینست که برچسب تجزیه طلب نخورد، بخصوص چون توحش ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی و جنایاتی که حاضرند تحت لوای دفاع از "تمامیت ارضی" بکنند را میشناسد. خود حزب دموکرات لاجرم در صف مقدم "ایرانیت" و دفاع از "تمامیت ارضی" قرار گرفته است. وقتی عفت داداش پور در نشریه نیمروز از دبیرکل حزب دموکرات، آقای ملا عبدالله حسن زاده، نظرش را درباره موضع حزب کمونیست کارگری میپرسد (برسمیت شناسی حق جدایی کردستان، مراجعه به آراء خود مردم کردستان در يك رفتارندوم بر سر جدایی یا باقی ماندن بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در چهارچوب ایران)، جناب حسن زاده برآشفته میشود که: "خبر ما تجزیه طلب نیستیم" و برای اطمینان خاطر دولت مرکزی بعدی مرزبندی آتیشینی با ما بعمل میاورد. حزب دموکرات خودمختاری میخواهد و به این نتیجه رسیده است که با تعمیم دادن خواست خود به کل کشور، با بدست دادن فرمولی که در آن ناسیونالیسم کرد در برابر يك دولت ناسیونالیست مرکزی تك نباشد، بهتر به این نتیجه میرسد. فرمول فدرالیسم کمک میکند حزب دموکرات خودمختاری بخواهد بدون اینکه کردستان موردی استثنایی تلقی شود. فدرالیسم یعنی "به همه ملل متشکله ایران" خودمختاری بدهید، از جمله به ملت کرد به رهبری حزب دموکرات. حال اگر بقیه مردم در ایران، و از جمله بخش وسیعی در خود کردستان لزوما خود را با برچسب های قومی فارس و لر و گیلک و افغانی و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن تعریف نمیکند، چه باک.

در آنسوی این بده بستان ارتجاعی، جریانات ناسیونالیست

ایرانی قرار دارند که خود را با مساله کرد روبرو میبینند و این را یکی از گره گاههای اصلی تثبیت حکومت آتی شان تلقی میکنند. اینها در شعار فدرالیسم درجه ای برای لاپوشانی مساله کرد، اجتناب از مراجعه به آراء خود مردم و بند و بست با حزب دموکرات میبینند.

منشأ بحث فدرالیسم محاسبات فرصت طلبانه و پا درهوی چند حزب سیاسی درباره مساله کرد است، این بخودی خود نه چندان نگران کننده است و نه پاسخگویی به آن از مجرای تبلیغات روزمره کمونیستی و ضد ناسیونالیستی دشوار است. اما در کنار طرفین اصلی این بحث، که هرکدام منافع مادی شان را دنبال میکنند، مطابق معمول يك صف کامل از کسانی را پیدا میکنیم که میپندارند بنا به شغل شریف روشنفکری و مطبوعاتی، یا بنا به نیازهای گروه داری خود، باید حتما بدون تعمق و بنا به مد روز چیزی بگویند و خود شیرینی کنند، و اینها به شهادت سرنوشت تلخ مردم یوگسلاوی و شوروی، خطرناک ترین عناصر در چنین شرایطی هستند. واقعا باور نکردنی است که کسی از پنجره خانه اش بازی بچه اش و بچه های همسایه را نگاه کند، سپس آهی بکشد و قلمش را دست بگیرد و جاهلانه مردم يك کشور ۶۰ میلیونی را به ۹ ملیت و ۱۳ قومیت و ۵ گروه زبانی و قس علیهذا تقسیم کند و نسخه بپیچد که اینها باید شهرها و محلات را مطابق جدول ایشان بین خود تقسیم کنند و روبروی هم بایستند. اگر اینگونه افکار سفیهانه نتایجی اینچنین خونبار در پی نداشت، شاید حتی مایه خنده مستمعین میشد. اما اینها دانسته و ندانسته جاده صاف کن پاکسازی های قومی و اعدامهای جمعی فردا هستند. اینها دارند علیه زندگی و جان آن بچه های بیرون پنجره توطئه میکنند و حساسیت مساله اینجاست.

ین دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به يك فاکتور تعیین کننده در معادلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور

از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعی، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی برد بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود. و به اذهان مردم تحمیل میشود. مساله از محاسبات خرد حزب دموکرات و تتمه احزاب ملی و جمهوریخواه و آریامهری بسیار فراتر است. اینها بازیچه اند. ما باید کل بازی را غیر ممکن کنیم.

این را هم بگویم که تا آنجا که به مساله کرد مربوط میشود این خود مردم کردستانند که باید در يك رفتارندم آزاد درباره جدایی و یا باقی ماندن بعنوان شهروندان با حقوق برابر در چهارچوب ایران تصمیم بگیرند. فقط این تصمیم، هرچه که باشد، اصلیت و مشروعیت دارد. مساله کرد بر سر سهم گرفتن حزب دموکرات و سایر احزاب خودمختاری طلب در ساختار قدرت و سپرده شدن "حاکمیت کردستان" به آنها، از بالای سر مردم، نیست. بند و بست و مذاکرات و معاملات احزاب بر سر کردستان فاقد هر نوع مشروعیت است.

انترناسیونال: برخی سازمانهای چپ گفتند که حزب ما در مخاطراتی که در مقاله "سناریوی سیاه و سفید" بیان شده اغراق کرده است. فکر نمیکنید به این بیانیه هم چنین برخوردی بشود؟

منصور حکمت: بین خودمان باشد، من ضمن بیشترین احترام به تك تك اعضا و فعالین و رهبران خانواده چپ ضد سلطنتی و سنتی ایران بعنوان انسانهایی که بالاخره با هر زبانی خیر مردم زحمتکش را میخواهند، باید بگویم بعنوان احزاب و سازمانهای سیاسی نه اینها را سوسیالیست میدانم و نه باوری به قدرت تشخیص آنها و قابلیت آنها در ایفای نقش کارسازی در دنیای پس از جنگ سرد دارم. این يك طیف سپری شده و بی افق است. جوانان جبهه ملی و حزب توده اند که اکنون خود دیگر پیر شده اند. برخورد این طیف با این بیانیه فاکتور مهمی نیست. مهم تر شاید، برخورد بیانیه به آنهاست.

اما بیانیه اصولا خطاب به اینها نیست. خطاب به مردم و بویژه به طبقه کارگر است، که به معنی اجتماعی و سیاسی و تاریخی این کلمات و شعارها توجه کنند و به دام

ادامه در مورد کمیته پیگیری

میشوند. تحرکات مهمتر و توده ای تر در جنبش کارگری ایران کم نداشتند، اما در شرایط اختناق این امر جایگاه خاصی به این تلاش داده است. این کمیته هم در اعتراض به دولت و هم در اعتراض به اهل، او که کارگران و نمایندگان واقعیشان را دوزخه اند اعتراض وسیعی سازمان داده است. بنا بر این ما از همه کارگران میخواهیم که این حرکت را تقویت نمایند. در ادامه حرکت میتوان کمبدها و نارسائیهها را رفع کرد. این کمیته میتواند و باید با اتکا به پتانسیلی که از خود نشان داده است، مشوق و مبتکر تشکیل مجامع عمومی و شورا های کارگری در مراکز کارگری باشد. اکنون با اعتماد به نفس بیشتری میتوان در ادامه حرکت با اتکا به پایگاه توده ای بالفعل، علاوه بر پیگیری ایجاد تشکلهای واقعی کارگران به مسئله دستمزدها و لغو قراردادهای موقت و ... هم پرداخت.

این کمیته باید تلاش کند در بعد سراسری خود را تکثیر کند. با اتکا به ایجاد شعبه های خود در هر شهر و منطقه ای تلاش کند فعالین کارگری را متحد و متشکل نماید. این شعبات میتوانند بر اساس پلانفرم کمیته دست بکار ایجاد تشکلهای واقعی کارگران شوند. طبعاً در هر شهر و منطقه ای ممکن

است مسایل و مشکلات خاصی مانع پیشروی کارگران باشد. این شعبات میتوانند با تجارسی که از محل زندگی و کار خود دارند این موانع را رفع کنند. اولین قدم هر فعال محلی باید در دستور گذاشتن ایجاد مجامع عمومی منظم کارگران باشد. تشکیل مجمع عمومی و در ادامه تشکیل شوراهای کارگری باید آن ظرفی باشد که کارگران در آن نمایندگی میشوند.

ایسکرا: همینجا اجازه بدهید وارد بحث دیگری بشویم. تعدادی انتقاد کرده اند که چرا رو به وزارت کار نامه نوشته اند نظر شما چیست؟ **محمد آسنگران:** ببینید کسانی که در شرایط امروز ایران این چنین انتقاداتی را مطرح میکنند نشان میدهد که نه کارگر را میشناسند و نه جامعه ایران رامیشناسند. این کارگران در کشوری زندگی میکنند که قوانینی مانع فعالیت و تشکل یابی آنها است این طبیعی ترین عکس العمل کارگران باید باشد که خواهان برطرف کردن این موانع قانونی باشند. و اعتراض خودشان را به این موانع بیان کنند. کسی که این واقعیات را در تعادل قوای فعلی برسمیت نمیشناسد نباید جدی گرفت. چنین کسی در دنیای خیالاتش زندگی میکند کاری به واقعیات زندگی کارگران و جامعه ندارد. این دسته از منتقدین نه مشکل را میشناسند نه مانع و نه راه حل را، بنا بر این، اینها را باید به

حال خودشان رها کرد. کسی اینها را جدی نمیگیرد که طرف مقابلش را به جوابگیری موظف کند.

فعالین این کمیته قبل از اینکه منتظر اجازه کسی باشند کمیته خود را تشکیل داده اند. اما این کمیته دارد در مورد يك جامعه در ابعاد میلیونی حرف میزند و راه حل طرح میکند. این میلیونها کارگر باید مثل انسان آزاد حق تشکل یابی خود را داشته باشند. قوانین محدود کننده و ضد کارگری باید برچیده شوند تا توده کارگر بتواند بدون دغدغه وارد تشکل خود شود. همه مردم و توده کارگران قهرمان و فعال سیاسی یا فعال کارگری نیستند. اگر در مورد فعالین کارگری حرف میزنیم این موضوع جداگانه ایست و همین فعالین کارگری هم همین کار را کرده اند و منتظر اجازه کسی نشده اند. این قابل فهم است که میشد فرمولبندی بهتری بکار برد، اما توضیحات و مصاحبه های بعدی اعضای این کمیته کاملاً روشن و بی ابهام است.

اما هنگامی که همین فعالین کارگری بخواهند کارگران را در ابعادی اجتماعی و وسیع متشکل کنند باید موانع قانونی آنها هم در نظر داشته باشند و تلاش کنند که آنها خنثی نمایند. کسی که از دور دستی بر آتش دارد و شرایط و ملزومات تشکیل محافل کارگری را با تشکلهای توده ای کارگری یکی میداند، متد و معیارش متفاوت است. خلاصه اینکه این دسته از

"منتقدین" جدی نیستند. نه کسی به فراخوان آنها تشکل درست کرده، و نه تشکلی را به خاطر نظر آنها ترک میکنند. بنا بر این گرایش که حاشیه ای و بی تاثیر است چرا باید مورد بحث ما باشد. من حاضرم بارها در مورد سنسیدیکا و سنسیدیکالیسم، رفم و رفرمیسم، شورای اسلامی و خانه کارگر و ... حرف بزنم زیرا میدانم اینها میتوانند در بعد داخلی و بین المللی موانعی ایجاد کنند. اما حاضر نیستم در مورد جریانهای بی تاثیر وقت خود و دیگران را بگیرم.

ایسکرا: ایراد دیگر این است که کمیته پیگیری سیاستی رفرمیستی در پیش گرفته است. و باید تشکل ضد سرمایه داری ساخت. نظر شما چیست؟

محمد آسنگران: تشکل ضد سرمایه داری اگر درست معنی کنید یعنی يك تشکل سوسیالیستی، حد اقل من این را از ضد سرمایه داری میفهمم. این میتواند تعریف يك حزب باشد، اما کسی که از "شدت ضد" سرمایه بودن میخواهد تشکلهای توده ای کارگری هم این تعریف را از تشکل خود قبول کنند، بیشتر به بحث يك آدم بی خبر شبیه است تا يك کمونیست جدی. تشکل توده ای یعنی تشکلی که هر کارگری با هر عقیده ای میتواند عضو آن باشد. هر تشکلی که کارگران آزادانه عضو آن باشند از نظر من يك تشکل کارگری است.

ناگفته نماند تشکلهای کارگری

میتوانند رفرمیست، سنسیدیکالیست و یا رادیکال و چپ باشند. ماهیت و سیاست هر تشکلی را فعالین و گرایش حاکم بر آن تعیین میکند که چگونه باشد، نه طرح از پیشی ما یا هر جریان دیگری. بنابر این اکنون در ایران صرف متحد شدن آزادانه کارگران در تشکلهایشان برای ما دارای ارزش و اهمیت است. کسی که وظایف يك حزب ضد سرمایه داری یا دقیقتر بگویم يك حزب کمونیستی را برای يك تشکل توده ای تعریف میکند یا تعریفش از ضد سرمایه بودن زیادی رقیق است یا اینکه معنا و مفهوم تفاوت این دو را نمیفهمد. تشکل توده ای کارگران میتواند تشکلی ضد سرمایه داری یا تشکلی رفرمیست باشد. تنها عامل تعیین کننده سیاستی است که فعالین و رهبران آن تشکل در پیش میگیرند. اما برخلاف توهمات این دسته از منتقدین، من معتقدم که تشکل توده ای کارگران مثل هر پدیده دیگری مدام میتواند دستخوش تحول باشد. امروز يك تشکل میتواند رادیکال باشد اما الزامی نیست که فردا هم رادیکال بماند. این تلاش و نقش نیروی انسان فعال و پیشرو در این تشکلهای است که تعیین کننده است. نه پلانفرم و خواست درونی ما.

ما تلاش میکنیم در چنین شرایطی این تشکلهای بر پایه تصمیم جمعی کارگران و متکی به مجمع عمومی کارگران باشد. علاوه بر این

بقیه در صفحه ۴

محاکمه فعالین اول مه سقز مجدداً شروع شده است

روز دوشنبه ۱۵ فروردین محسن حکیمی به جرم شرکت در مراسم اول مه در شهر سقز در سال گذشته، مجدداً محاکمه شد. دادگاه او يك ساعت و ۱۵ دقیقه طول کشید. این دادگاه در پشت درهای بسته انجام گرفت. از اول صبح حدود ۳۰ نفر از مردم سقز برای دنبال کردن جریان محاکمه در محل دادگاه حاضر شده بودند. اما حاضرین به دستور گودینی رئیس دادگستری سقز از محل اخراج شدند و اجازه شرکت در دادگاه را نیافتند. اتهامات محسن حکیمی شرکت در مراسم اول مه سقز و ارتباط با

سازمانهای چپ ذکر شده است و حکم دادگاه اسلامی در مورد او هنوز اعلام نشده است. بر اساس گزارش رسیده فردا سه شنبه ۱۶ فروردین قرار است محمود صالحی و برهان دیوارگر نیز محاکمه شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این محاکمات را نقض آشکار حقوق کارگران و مردم میدانند و آنها محکوم میکنند. سران و مسئولین رژیم اسلامی به جرم پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران و توهین و شکنجه دستگیر شدگان باید محاکمه شوند. این محاکمات نقض آشکار حقوق مردم و کارگران سقز است. این اقدام رژیم اسلامی باید از جانب سازمانهای

مدافع حقوق انسانی و اتحادیه های کارگری محکوم شود.

۱۵ فروردین ۸۴

آوریل ۲۰۰۵

امروز محمود صالحی و برهان دیوارگر در سقز محاکمه شدند

جمهوری اسلامی محاکمه فعالین اول مه سقز را در دادگاههای کذایی اش و در پشت درهای بسته مجدداً آغاز کرده است. امروز سه شنبه ۱۶ فروردین دادگاه محمود صالحی و برهان دیوارگر از ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه آغاز و ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه پایان یافت. هرکدام از متهمین حدود يك ساعت بازجویی شدند. اتهامات وارده همان موارد قبلی به اضافه اغتشاشگری بوده است. هر سه

وکیل این پرونده محمد شریف، مهشید محدود و محمدی در دادگاه حضور داشتند. در پایان دادگاه وکلای این پرونده به اداره اطلاعات رفته و در مورد این موضوع که هر بار اتهام تازه ای به این پرونده اضافه میشود اعتراض کردند. در پایان در جواب به این سوال متهمین که آیا این آخرین دادگاه است میگویند دادگاه هنوز تمام نشده است و بعداً احضاریه دریافت میکنند.

جمهوری اسلامی در این جدال و کشاکش يك بار از کارگران شکست خورد و ناچار شد دستگیر شدگان را آزاد کند. سال گذشته يك کمپین گسترده بین المللی و داخلی حکومت توحش و زندان را ناچار ساخت هفت نفر از فعالین را

با سرشکستگی آزاد کند. این محاکمات مسخره و دادگاههای اسلامی کذایی و کش دادن این پرونده هدفی که دنبال میکند کم رنگ کردن پیروزی کارگران است. بریابی اول مه حق بدهی کارگران است و جمهوری اسلامی باید کل اتهامات علیه فعالین اول مه سقز را دور بیندازد و دست از سر آنها بردارد. این را جنبش کارگری تضمین خواهد کرد. اول مه امسال نیز پرشور تر از سال قبل گرامی داشته خواهد شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ فروردین ۸۴ - ۵ آوریل ۲۰۰۵

ملی گرایي و قوم پرستی نیفتند، که برای مقابله با آن آماده باشند. بر خلاف بحث سناریوی سیاه و سفید، ما اینجا تاکید کرده ایم که احتمال تحمیل شعار فدرالیسم به جامعه امروز ایران بسیار ضعیف است. بنابراین بحث اغراق بر سر سیر اوضاع عینی نیست. بحث بر سر کثافت نهفته در خود شعارها و تبیین های ملی و از جمله شعار فدرالیسم است. در این اساسا نمیشود اغراق کرد و هرچه گفته شود هنوز کم است.

انترناسیونال: آیا میشود گفت این شعار خصلت نمای احزاب و جریانات مطرح کننده آن است و به این اعتبار باید درباره آنها قضاوت کرد؟ آیا با این بیانیه نحوه برخورد و رابطه حزب با جریاناتی که مدافع

فدرالیسم هستند تغییر میکند؟
منصور حکمت: بنظر من در سطح نظری میشود احزاب را بر مبنای این شعار قضاوت کرد. همانطور که مذهبی بودن، شوینیست ملی بودن، سلطنت طلب بودن و یا مخالفت با برابری زن و مرد، در متن تاریخ سیاسی معاصر ایران برای ارتجاعی نامیده شدن یک جریان کافی است، اعتقاد به صدور شناسنامه قومی برای مردم و تشکیل دولت مبتنی بر ملیت و قومیت نیز برای ارتجاعی خوانده شدن یک جریان کافی است. اگر سواالی هست اینست که آیا عمق کثافت شعار فدرالیسم و معانی ضد اجتماعی و ضد انسانی و ضد کارگری آن در سطح وسیع شناخته شده هست یا خیر. شاید هنوز خیر.

این ایجاب میکند که بدو برای یک دوره تلاش کنیم این فرمول از برنامه و تبلیغات احزاب اپوزیسیون حذف بشود. البته واضح است که از هم اکنون هر جریانی را که آگاهانه و مصرانه از فدرالیسم و سازمان قومی جامعه دفاع کند باید یک جریان ارتجاعی به حساب آورد.

انترناسیونال: این بیانیه چه فعالیتهایی را در برابر فعالین حزب میگذارد؟ فعالین حزب در برابر جریاناتی که شعار فدرالیسم را مطرح میکنند چه باید بکنند؟

منصور حکمت: واضح است که نمیشود و لازم هم نیست که اینجا لیستی از اقدامات بدهیم. اصل قضیه این است که ما محتوای واقعی این شعار را، با تمام وجود و

با پشتکار برای مردم روشن کنیم. احزابی که این شعار را طرح میکنند باید فشار نقد ما را هرجا هستند و هرجا میروند روی خودشان حس کنند. باید تفکر و سیاست قومی و ملی را بی آبرو کرد، همانطور که تفکر و سیاست مذهبی امروزه بی آبرو و منفور است. باید اگر نه کل مردم زحمتکش، لاقبل بخش های پرتحرک و فعال طبقه کارگر در ایران آنچنان آگاهانه از ارتجاع ملی و قوم پرستی، که شعار فدرالیسم صرفا یک بسته بندی لوکس تر آن است، و بیزار و متنفر و نسبت به آن حساس باشند که هیچ نیرویی نتواند فردا جلوی پیشروی کارگر و کمونیسم کارگری را با علم کردن کشمکش ها و فجاج قومی سد کند و مردم را به روزی بیاندازد که در یوگسلاوی دیدیم.

نکند. همچنانکه تجربه هم ثابت کرده است این تشکلهای مستقل وجود خارجی نمیتوانند داشته باشند. اگر به فرض محال ایجاد هم بشوند عملاً نفوذ احزاب سیاسی را در این تشکلهای نمیتوان منکر و مانع شد.

بنابر این کسی که تلاش میکند این جنبه از "مستقل" بودن را هویت خود تعریف کند اگر ریاکار نباشد قطعاً ساده لوح است. در دنیای امروز نمیتوان تشکل توده ای درست کرد و از نفوذ گرایشات اصلی جامعه در آن جلوگیری نمود. این غیر ممکن است. کشورهای اروپایی نمونه برجسته این موضوع را به همگان نشان داده است. تقریباً همه یا اکثریت قریب به اتفاق اتحادیه های کارگری زیر نفوذ سوسیال دمکراسی بودند و هستند. خارج از

سرکوب و مهار رادیکالیسم درون جنبش کارگری تلاش کرده اند تشکلهای دست ساز خود را ایجاد کنند. نمونه های آن در ایران شوراها و اسلامی و خانه کارگر است. کارگران رادیکال در تقابل با این نوع تشکلهای تلاش کرده اند که تشکلهای واقعی کارگران و مستقل از دولت و کارفرما را سازمان دهند. اما بعد از انقلاب ۵۷ و تجربه شکست جریانات چپ ایرانی بخشی از فعالین همین تشکلهای شکست خورده و بخش کارگرانی که تجربه تلخ این سازمانها را بیاد دارند این گرایش را نمایندگی میکنند که تشکل مستقل به معنی مستقل از احزاب هم هست. اولاً این یک دروغ بزرگ است. هیچ تشکل توده ای کارگری یا غیر کارگری نمیتواند گرایش سیاسی معینی را نمایندگی

هستند. باتجمع و تحصن وسیع در مقابل ادارات دولتی اعلام کنید همه دستگیر شدگان باید آزاد شوند. همچنانکه مبینید نیروهای رژیم روحیه خود را از دست داده اند. ترس و لرز آنها بالای مردم و تعرض به اماکن دولتی صف دشمنان مردم را دچار تشتت کرده است. این تعرض را باید ادامه داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ فروردین ۸۴ - ۲ آوریل ۲۰۰۵
تعداد دستگیر شدگان بانه به ۹۰ نفر رسید
همه دستگیر شدگان بانه باید فوراً آزاد شوند!
بدنبال تظاهرات اعتراضی بزرگ مردم بانه در مقابل سرکوبگران جمهوری

احزاب سیاسی میتوانند در این تشکلهای فراکسیون خود را داشته باشند. اما کسی که تعریف تشکل ضد سرمایه داری را برای تشکلهای توده ای کارگری پیش شرط میدانند، در بهترین حالت وظایف احزاب کمونیستی را به تشکلهای توده ای محول کرده است. تبعاً ضد سرمایه بودن به معنی کمونیست بودن است. من ضد سرمایه بودن را ضد کار مزدی و مالکیت خصوصی میدانم. اگر کسی اینرا تعریف تشکلهای توده ای میدانند چرا آن را حزب کمونیستی خود اعلام نمیکند.

این نوع گرایشات غیر اجتماعی ممکن است در ذهن خود هر روز یک انقلاب کند اما وقتی نوبت انقلاب کارگری میرسد میگویند زود است. دورانش نرسیده است و هزار بهانه

حدود ۵۰ نفر در بانه دستگیر شده اند
مردم جلو ادارات دولتی از جمله اداره اماکن تجمع کردند و خواهان آزادی دستگیر شدگان هستند
به دنبال تظاهرات چند هزار نفر از مردم بانه در روز سه شنبه ۹ فروردین که در اعتراض به کشتن یک نفر بوسیله نیروهای انتظامی آغاز شده بود، شیشه چندین بانک و ساختمان ادارت دولتی شکسته شد، از روز چهارشنبه تا کنون بیش از ۵۰ نفر از مردم این شهر دستگیر شده اند.

جمهوری اسلامی روز سه شنبه در مقابل تظاهرات چند هزار نفره مردم توان و جرات هیچ عکس العملی نداشت. روز بعد با وارد کردن نیروی کمکی به خانه گردی و دستگیری مردم پرداختند. تا کنون حدود ۵۰ نفر از مردم شهر را

تبلیغات و آکسیونهای ما باید ظهور توچمان ها و ایزت بگویی ها و کارادبیج ها و ملادیج ها و میلو سویج ها و ژیرینفسکی های وطنی را غیر ممکن کند. در یک جمله، هم باید حضور ذهن مردم را بالا برد و هم به قوم پرستان و اسپانسورهای فرادیشان فهماند که با یک نیروی کمونیستی کارگری سازش ناپذیر و بدون تومر روبرو هستند.



اولین بار در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در شماره ۲۱ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت
جلد هشتم صفحات ۳۲۵ تا ۳۳۰

انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند

اینکه ما چه قضاوتی در مورد آنها داشته باشیم این يك واقعیت است. در کشورهای دیگر هم همینطور است نمونه دیگر آفریقای جنوبی و آمریکا است. بنابر این تنها در میان گرایشات غیر اجتماعی حتی آنها که مدعی تشکل کارگری مستقل از احزاب هستند خودشان یا به حزبی وابسته اند یا به فکر تشکیل حزبی هستند. اگر بی مایه گی خودشان این اجازه را نمیدهد که با سری افراشته حقایق را بیان کنند مشکل خودشان است. جامعه منتظر اینها نبوده است. در ضمن پتانسیل و رادیکالیسم جنبش کارگری امروز کمتر شباهتی به ۱۵ - ۲۰ سال پیش دارد. این دسته از فرماندهان بی لشکر در همان دوران قدیم یخ زده و منجمد شده اند.

ادامه دارد

حکومت اسلام سعی دارد با تعرض و اذیت و آزار مردم آنها را عقب رانده و قدر قدرتی خود را اثبات کند.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن اعلام حمایت قاطع خود از اعتراضات و مبارزات مردم، خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان است. اعتراض و مبارزه علیه قاتلان حق مسلم مردم بانه است. دولت و سرکوبگران اسلامی حق ندارند، کسی را به این جرم دستگیر و محاکمه کنند. قاتلان و سرکوبگران مردم باید به محاکمه کشیده شوند.
دستگیرشدگان بانه باید فوراً آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آپریل ۲۰۰۵